گزیده‌مطالب آماری
سال ۱۸، شماره‌ی ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، صص ۸۲-۷۱

روند خط فقر و شاخص‌های فقر در ایران طی سال‌های ۸۵-۱۳۷۵

فریده باقری، * نیما دانش‌پرور، حسین کاوند

پژوهشکده‌ی آمار

چکیده. در این مقاله با معرفی متداول‌ترین روش‌های محاسبه‌ی خط فقر (نظیر روش هزینه‌ی نیازهای اساسی، انرژی غذایی دریافتی و ارزیابی‌های ذهنی) و شاخص‌های فقر (نظیر نرخ فقر، شاخص شکاف فقر و شاخص سن) با توجه به راهنماها و توصیه‌های بین‌المللی، خط فقر و شاخص‌های فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ با توجه به روش ۲۳۰۰ کالری در روز برای مناطق شهری و روستایی محاسبه شده است. سپس با محاسبه‌ی فاصله اطمینان آماری شاخص درصد افراد زیر خط فقر (از روش بوت‌استرپ)، اعتبار آماری شاخص مذکور سنجیده شده است. به‌منظور برآورد خط فقر و شاخص‌های فقر طی سال‌های ۸۵-۱۳۷۵ از داده‌های خام طرح هزینه و درآمد خانوار برای دوره‌ی مورد نظر استفاده شد.

نتایج حاصل نشان می‌دهند که درصد افراد فقیر طی دوره‌ی مورد بررسی کاهش یافته و در مناطق شهری از ۱۴/۱درصد در سال ۷۵ به ۱۲/۶ درصد در سال ۸۵ و در مناطق روستایی از ۲۲/۴ درصد در سال ۷۵ به ۱۱/۴ درصد در سال ۸۵ رسیده است.

۱- مقدمه

تصمیم‌گیری برای مبارزه با فقر و تخصیص اعتبار برای کاهش فقر به تعریف از فقر، نحوه‌ی محاسبه‌ی خط فقر و شاخص انتخابی برای اندازه‌گیری فقر وابسته است. فقر پدیده‌ای چندبعدی است. از این رو ارائه‌ی یک تعریف جامع و دقیق از آن کار ساده‌ای نمی‌باشد. از دهه‌ی ۱۹۹۰ بانک جهانی و سازمان ملل متحد تلاش‌هایی در جهت رسیدن

واژگان کلیدی: خط فقر؛ شاخص‌های فقر؛ نرخ فقر؛ درصد افراد زیر خط فقر.

* نویسنده‌ی عهده‌دار مکاتبات

به اجماع در ارتباط با مفهوم فقر و استراتژی‌های کاهش فقر آغاز کرده‌اند. سازمان ملل متحد مفهوم فقر را از چهار منظر رویکرد پولی، رویکرد توانمندی، رویکرد محرومیت اجتماعی و رویکرد مشارکتی مورد توجه و بررسی قرار داده است. رویکرد پولی معمول‌ترین روش برای تعریف و اندازه‌گیری فقر است.

در ادبیات موضوعی، فقر به محرومیت از رفاه تعریف شده است. در اقتصاد، رفاه بر حسب مطلوبیت مشخص می‌شود و تابع مطلوبیت بر اساس مصرف کالاها و خدمات تعریف می‌شود. در واقع این تابع مطلوبیت، ترجیحات افراد را نسبت به سبدهای مختلف کالاها و خدمات مشخص می‌کند. با توجه به تعریف محرومیت، دو جنبه‌ی مطلق و نسبی در شناسایی افراد فقیر مطرح می‌شود. آستانه‌ای که بر اساس هر یک از این دو جنبه معین می‌شود، خط و مرزی میان فقرا و سایر افراد جامعه ترسیم می‌کند که خط فقر نامیده می‌شود. هر فردی که درآمدش کمتر از خط فقر باشد به‌عنوان فرد فقیر شناخته می‌شود. با توجه به این مطلب در تعاریف مربوط به فقر، فقیر به کسی اطلاق می‌شود که درآمد یا مصرف وی برای تأمین حد اقل نیازهای اساسی کفایت نکند [۵].

۲- چگونه باید خط فقر را تعریف کرد؟

در یک تعریف کلی، فقیر کسی است که قادر به تأمین نیازهای مصرفی اولیه (شامل اقلام خوراکی و غیر خوراکی) نباشد. از این رو خط فقر معمولاً با مشخص کردن یک سبد مصرفی مناسب برای نیازهای مصرفی اولیه و سپس برآورد هزینه‌ی این نیازهای اولیه محاسبه می‌شود. به عبارت دیگر خط فقر می‌تواند به‌عنوان حد اقل هزینه‌های لازم برای تأمین نیازهای اولیه‌ی خوراکی و غیر خوراکی در نظر گرفته شود [۷].

پس از محاسبه‌ی مصرف خانوار، باید مشخص شود که آیا این مقدار، خانوار را در وضعیت فقر قرار می‌دهد یا نه. تشخیص این مطلب با استفاده از خط فقر میسر است. از این رو خط فقر معیاری (سطحی از مصرف یا درآمد) برای تشخیص افراد فقیر از غیر فقیر می‌باشد.

به شکل رسمی، خط فقر برای یک خانوار (z_i) می‌تواند به‌صورت حد اقل مصرف یا مخارج (یا درامد یا سایر معیارها) مورد نیاز برای دسترسی به یک حد اقل سطحی از

مطلوبیت (u_z) در سطح معینی از قیمت‌ها (p) و ویژگی‌های خانوار (x) تعریف شود. بنا بر این

$$z_i = e(p, x, u_z)$$

در عمل نمی‌توان حد اقل سطح مطلوبیت (u_z) یا حتی تابع هزینه $e(\circ)$ را محاسبه نمود. از این رو باید یک روش کاربردی به کار گرفته شود. در ارتباط با این مسئله دو دیدگاه وجود دارد.

دیدگاه اول: خط فقر برای هر خانوار محاسبه شود و سپس این خط فقر با در نظر گرفتن تفاوت ترکیب (ساختار) اجتماعی خانوارها و قیمت‌هایی که با آن روبه‌رو هستند خانوار به خانوار تعدیل شود.

دیدگاه دوم: در این دیدگاه که بیش از دیدگاه قبلی مورد استفاده قرار می‌گیرد توصیه می‌شود که برای همه‌ی افراد یک خط فقر سرانه محاسبه شود، اما به‌دلیل تفاوت در ترکیب خانوار و قیمت‌ها باید y_i (درامد) سرانه تعدیل شود. سپس y_i سرانه‌ی تعدیل شده با خط فقر به‌دست آمده مقایسه شود تا بتوان گفت آیا فرد زیر خط فقر زندگی می‌کند یا نه.

خط فقر نسبی: زمانی که در بررسی‌های فقر تمرکز بر روی فقیرترین قشر جمعیت (مثلاً $\frac{1}{5}$ یا $\frac{2}{5}$) باشد با فقر نسبی روبه‌رو هستیم. در صورتی که فقر به این صورت تعریف شود، فقر همواره با ما خواهد بود. در عمل کشورهای ثروتمند خطوط فقر بالاتری از کشورهای فقیر دارند. به‌عنوان مثال نرخ رسمی فقر در دهه‌ی ۱۹۹۰ در آمریکا نزدیک به ۱۵ درصد و همچنین در اندونزی نیز نزدیک به ۱۵ درصد بود. در حالی که بسیاری از افرادی که طبق معیارهای آمریکا فقیر محسوب می‌شوند طبق استانداردهای اندونزی جزو افراد مرفه به شمار می‌آیند.

خط فقر مطلق: عبارت از یک مقدار تثبیت شده بر حسب استاندارد زندگی است. به‌عبارت ساده‌تر این خط فقر نشان‌دهنده‌ی قدرت خرید یکسان از یک سال به سال دیگر می‌باشد.

یک خط فقر مطلق از این لحاظ اهمیت دارد که برای قضاوت در خصوص اثر سیاست‌های ضد فقر در طول زمان یا برآورد اثر یک پروژه بر روی فقر به کار برده

می‌شود. همچنین تنها با داشتن یک خط فقر مطلق یکسان می‌توان مقایسه‌ی درستی بین نرخ فقر کشورها انجام داد. از این رو بانک جهانی به کشورها توصیه می‌کند که خط فقر مطلق را محاسبه کنند تا از این طریق بتوان چالش‌های موجود را شناسایی و برنامه‌های مبارزه با فقر را ارزیابی نمود [۷].

خط فقر ذهنی: در این حالت از طریق یک آمارگیری می‌توان این پرسش را مطرح کرد که به نظر شما حد اقل سطح درامد (یعنی درامدی که با کمتر از آن قادر به امرار معاش نخواهید بود) چه مقدار است. پاسخ این سؤال از فردی به فرد دیگر و بر حسب بعد خانوار متفاوت خواهد بود. با رسم نقاط به دست آمده و عبور دادن خطی از میان آن‌ها می‌توان یک خط فقر ذهنی رسم کرد.

۳- تعیین نوع خط فقر در مناطق شهری و روستایی

همان‌طور که شرح داده شد خط فقر بر مبنای مفهوم مطلق یا نسبی تعریف می‌شود. لذا در اجرای سیاست‌های علمی فقرزدایی و نیز توزیع درامدی، انتخاب یکی از دو روش مطلق یا نسبی برای محاسبه‌ی خط فقر اهمیت بسزایی دارد. استفاده از خط فقر نسبی در سیاست‌گذاری‌ها مختص کشورهای توسعه‌یافته است که مشکل فقر مطلق در این کشورها تا حدودی حل شده است. اما در کشورهای در حال توسعه به‌منظور قضاوت در خصوص اثر سیاست‌های ضد فقر در طول زمان لازم است که خط فقر مطلق محاسبه شود.

برای محاسبه‌ی خط فقر مطلق در دستورالعمل‌های بین‌المللی دو روش عمده معرفی شده است که عبارت‌اند از روش هزینه‌ی نیازهای اساسی[۱] (CBN) و روش انرژی غذایی دریافتی[۲] (FEL). در روش CBN یک سبد مصرفی متعارف از اقلام خوراکی و غیر خوراکی که حداقل انرژی مورد نیاز را مرتفع می‌کند در نظر گرفته می‌شود. در روش FEI حداقل انرژی روزانه‌ی هر فرد در نظر گرفته می‌شود و بر اساس آن هزینه یا درامد کل مورد نیاز که حد اقل انرژی را تأمین می‌کند محاسبه می‌شود.

با توجه به این که در روش FEI هزینه و الگوی مصرف واقعی و عینی خانوارها مورد توجه قرار می‌گیرد، احتیاج به انتخاب قیمت مشخص برای براورد ارزش اقلام نیست،

به‌طور عملی از الگوی مصرف فقیرترین خانوارها تبعیت می‌شود و از طرف دیگر تنها با یک منبع خطا یعنی دقت داده‌های هزینه و درامد خانوار مواجه می‌باشیم. لذا این روش مناسب‌ترین روش برای محاسبه‌ی خط فقر در نظر گرفته شد.

٤- داده‌های مورد استفاده

به منظور براورد خط فقر و شاخص‌های فقر از داده‌های خام طرح هزینه و درامد خانوار برای دوره‌ی مورد نظر (۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵) استفاده شد [۴].

٥- برآورد خط فقر بر اساس روش نیاز به کالری (FEI)

اندازه‌گیری خط فقر بر اساس روش نیاز به کالری بر مفهوم مطلق فقر استوار است؛ به این صورت که فرض می‌شود هر فرد روزانه به مقدار معین کالری نیاز دارد. مقدار کالری مورد نیاز هر فرد در روز بر اساس هرم سنی و جنسی خانوارهای ایرانی که در انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی مشخص شده است، ۲۳۰۰ کالری تعیین شد.

در این روش ابتدا مخارج کل در سطح خانوار، سرانه و سپس خانوارها بر حسب مخارج سرانه به ده دهک درامدی[۳] تقسیم شدند، به‌طوری که در هر دهک ده درصد خانوارها قرار گرفتند. سپس به‌منظور براورد کالری دریافتی هر دهک، بردار عملکرد تغذیه‌ای محاسبه شد و در نهایت با استفاده از این بردار خط فقر به تفکیک غذایی، غیر غذایی و کل محاسبه شد [۱]، [۲]، [۳].

در جدول ۱ نتایج حاصل از براورد خط فقر بر اساس نیاز به ۲۳۰۰ کالری در مناطق شهری و روستایی به تفکیک خط فقر غذایی، غیر غذایی و کل (یعنی مجموع خط فقر غذایی و غیر غذایی) آورده شده است. این نتایج نشان می‌دهند که یک فرد به‌طور متوسط در مناطق شهری برای تأمین حد اقل معیشت خود در سال ۱۳۷۵ نیاز به ۷۴۶۹۴ ریال در ماه داشته که این رقم در سال ۱۳۸۵ به ۴۶۶۸۶۳ ریال رسیده است؛ یعنی خط فقر شهری از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ به طور متوسط سالانه ۲۰ درصد رشد داشته است. همچنین در مناطق روستایی یک فرد در سال ۱۳۷۵ برای تأمین حد اقل معیشت خود نیاز به ۵۰۱۴۳

ریال در ماه داشته که این رقم در سال ۱۳۸۵ به ۲۶۷۸۰۲ ریال رسیده است. متوسط نرخ رشد سالانه‌ی خط فقر روستایی از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۸۵ حدود ۱۸ درصد بوده است.

جدول ۱– برآورد خط فقر شهری و روستایی بر اساس روش ۲۳۰۰ کالری طی سال‌های ۸۵–۱۳۷۵ (ماهانه– فرد– ریال)

سال	شهری			روستایی		
	غذایی	غیر غذایی	کل	غذایی	غیر غذایی	کل
۷۵	۳۰۹۷۰	۴۵۵۲۶	۷۶۴۹۶	۲۷۴۰۱	۲۲۷۴۳	۵۰۱۴۳
۷۶	۳۵۹۱۲	۵۵۶۶۳	۹۱۵۷۵	۳۳۰۷۹	۲۸۷۷۹	۶۱۸۵۸
۷۷	۴۶۹۷۸	۷۰۴۶۷	۱۱۷۴۴۵	۳۲۷۹۹	۲۶۲۳۹	۵۹۰۳۹
۷۸	۵۳۴۷۰	۸۳۹۴۸	۱۳۷۴۱۹	۳۶۳۴۷	۳۰۵۳۲	۶۶۸۷۹
۷۹	۶۳۶۴۲	۱۰۵۰۱۰	۱۶۸۶۵۲	۴۷۶۳۸	۴۳۸۲۷	۹۱۴۶۶
۸۰	۷۱۴۱۲	۱۱۴۹۷۳	۱۸۶۳۸۴	۵۲۲۵۵	۴۹۶۴۲	۱۰۱۸۹۷
۸۱	۸۵۸۷۱	۱۴۴۲۶۳	۲۳۰۱۳۴	۶۴۳۹۱	۶۱۱۷۲	۱۲۵۵۶۳
۸۲	۱۰۷۷۴۰	۱۸۵۳۱۲	۲۹۳۰۵۲	۸۱۳۲۹	۸۰۵۱۶	۱۶۱۸۴۵
۸۳	۱۲۵۲۸۶	۲۳۳۶۲۱	۳۵۸۹۰۸	۹۵۸۳۱	۱۰۱۴۶۸	۱۹۷۲۹۹
۸٤	۱۴۰۴۰۱	۲۵۷۹۴۷	۳۹۸۳۴۷	۱۰۸۹۲۴	۱۱۴۱۵۱	۲۲۳۰۷۵
۸۵	۱۵۶۵۱۷	۳۱۰۳۴۶	۴۶۶۸۶۳	۱۲۳۲۶۴	۱۴۴۵۴۰	۲۶۷۸۰۴

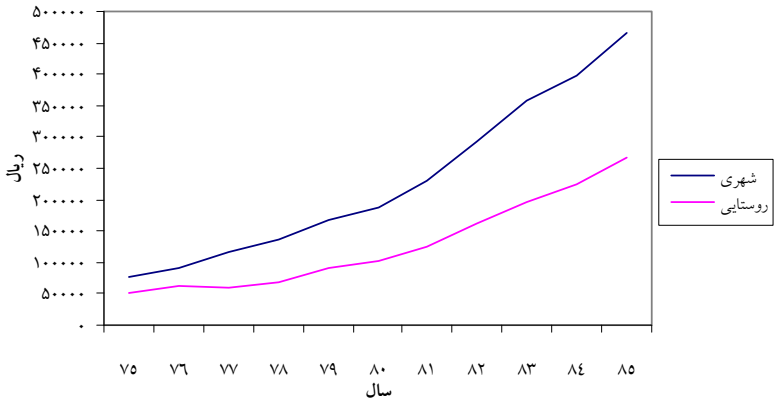

شکل ۱– روند خط فقر مناطق شهری و روستایی طی سال‌های ۸۵–۱۳۷۵

نکته‌ی قابل توجه در این ارقام این است که خط فقر مطلق جوامع شهری همواره بیش‌تر از جوامع روستایی بوده که این مطلب در نمودار ۱ نیز قابل مشاهده می‌باشد و این تفاوت طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ افزایش یافته به‌طوری که همواره از ۱/۵ تا ۲ برابر در نوسان بوده است.

٦- شاخص‌های فقر

در زمینه‌ی فقر شاخص‌های متعددی وجود دارد که در این مقاله شاخص درصد افراد زیر خط فقر، شاخص شکاف فقر و شاخص سن مورد محاسبه قرار گرفته است.

- **شاخص درصد افراد زیر خط فقر (نرخ فقر):** معیاری است که از آن در سطح وسیعی استفاده می‌شود و به‌طور ساده نسبت جمعیت فقیر به کل جمعیت را نشان می‌دهد. این شاخص را به‌صورت زیر می‌توان نشان داد:

$$P_{\circ} = \frac{N_P}{N}$$

که در آن N_P تعداد فقرا و N کل جمعیت (یا نمونه) است.

نتایج حاصل گویای آن است که درصد افراد فقیر طی این دوره کاهش یافته و در مناطق شهری از ۱۴/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۲/۶ درصد در سال ۱۳۸۵ و در مناطق روستایی از ۲۲/۴ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۱/۴ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است.

جدول ۲– درصد افراد زیر خط فقر بر اساس ۲۳۰۰ کالری طی سال های ۸۵-۱۳۷۵

سال	۷۵	۷٦	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸٤	۸۵
شهری	۱۴/۱	۱۲/۵	۱۳/۹	۱۳/۴	۱۳/۸	۱۱/۷	۱۱/۳	۱۱/۱	۱۱/۱	۱۰/۹	۱۲/۶
روستایی	۲۲/۴	۲۱/۲	۱۳/۵	۹/۷	۱۳/۲	۱۱/۹	۱۰/۳	۱۰/۴	۸/۹	۹/۴	۱۱/۴

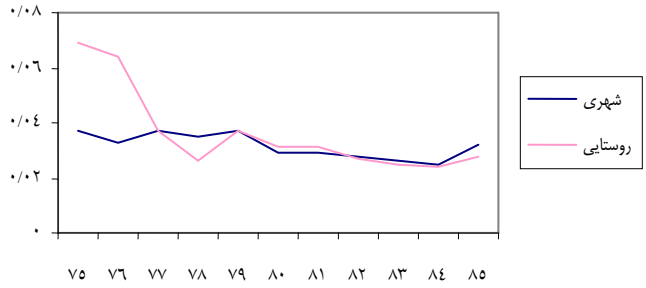

شکل۲- روند درصد افراد زیر خط فقر مناطق شهری و روستایی طی سال‌های ۸۵-۱۳۷۵

- **آزمون آماری شاخص درصد افراد زیر خط فقر:** از آن‌جایی که شناسایی توزیع و برآورد انحراف معیار شاخص‌های فقر به‌دلیل پیچیدگی آن‌ها از لحاظ تحلیلی مشکل است لذا محققان از روش بوت‌استرپ (در صورت دسترسی به داده‌های خرد) برای محاسبه‌ی انحراف معیار (خطای نمونه‌گیری) و فاصله‌ی اطمینان استفاده می‌کنند. در این بررسی از نمونه‌های موجود ۳۰۰ بار نمونه‌گیری مجدد صورت گرفت و فاصله‌ی اطمینان ۹۵٪ برای شاخص درصد افراد زیر خط فقر محاسبه شد. نتایج حاصل نشان می‌دهند که در کلیه‌ی سال‌ها با ۹۵٪ اطمینان مقادیر به‌دست آمده برای شاخص مورد نظر و میزان تغییر آن از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشند [۷].
- **شاخص شکاف فقر:** مقدار متوسط فاصله درامد افراد فقیر تا خط فقر را به‌صورت نسبتی از خط فقر بیان می‌کند. به عبارت دیگر وضعیت فقر را در بین افرادی که زیر خط فقر قرار دارند نشان می‌دهد.

شاخص شکاف فقر از رابطه‌ی زیر به دست می‌آید:

$$G_i = (z - y_i) \times I(y_i < z_i)$$

این رابطه را می‌توان به‌صورت زیر نیز نوشت:

$$P_{۱} = \frac{۱}{N}\sum_{i=۱}^{N}\frac{G_i}{z}$$

جدول ۳– براورد فاصله اطمینان ۹۵ درصدی برای شاخص درصد افراد زیر خط فقر

سال	شهری		روستایی	
	نرخ فقر	فاصله اطمینان	نرخ فقر	فاصله اطمینان
۷۵	۱۴/۱	(۱۳/۵ –۱۴/۸)	۲۲/۴	(۲۱/۵ –۲۳/۴)
۷٦	۱۲/۵	(۱۲/۰ –۱۳/۲)	۲۱/۲	(۲۰/۴ –۲۲/۱)
۷۷	۱۳/۹	(۱۳/۲ –۱۴/۷)	۱۳/۵	(۱۲/۸ –۱۴/۱)
۷۸	۱۳/۴	(۱۲/۹ –۱۴/۷)	۹/۷	(۹/۲ –۱۰/۱)
۷۹	۱۳/۸	(۱۳/۲ –۱۴/۴)	۱۳/۲	(۱۲/۷ –۱۳/۸)
۸۰	۱۱/۷	(۱۱/۱ –۱۲/۳)	۱۱/۹	(۱۱/۴ –۱۲/۵)
۸۱	۱۱/۳	(۱۰/۸ –۱۱/۸)	۱۰/۳	(۹/۸ –۱۰/۷)
۸۲	۱۱/۱	(۱۰/۵ –۱۱/۶)	۱۰/۴	(۹/۸ –۱۰/۸)
۸۳	۱۱/۱	(۱۰/۴ –۱۱/۶)	۸/۹	(۸/۴ –۹/۴)
۸٤	۱۰/۹	(۱۰/۴ –۱۱/۴)	۹/۴	(۸/۹ –۹/۹)
۸۵	۱۲/۵	(۱۲/۰۱ –۱۳/۱)	۱۱/۴	(۱۰/۹۷ –۱۱/۹)

نتایج حاکی از آن است که شاخص شکاف فقر در مناطق شهری از ۰/۰۳۷ در سال ۱۳۷۵ به ۰/۰۳۲ در سال ۱۳۸۵ رسیده است و در مناطق روستایی از ۰/۰۶۹ در سال ۱۳۷۵ به ۰/۰۲۸ در سال ۱۳۸۵ رسیده است. به عبارت دیگر می‌توان گفت که طی این دوره متوسط درامد افراد زیر خط فقر افزایش پیدا کرده است. این افزایش در مناطق روستایی بسیار بیش‌تر از مناطق شهری بوده است.

جدول ٤– شکاف فقر بر اساس خط فقر نیاز به ۲۳۰۰ کالری طی سال‌های ۸۵–۱۳۷۵

سال	۷۵	۷٦	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸٤	۸۵
شهری	۰/۰۳۷	۰/۰۳۳	۰/۰۳۷	۰/۰۳۵	۰/۰۳۷	۰/۰۲۹	۰/۰۲۹	۰/۰۲۸	۰/۰۲۶	۰/۰۲۵	۰/۰۳۲
روستایی	۰/۰۶۹	۰/۰۶۴	۰/۰۳۷	۰/۰۲۶	۰/۰۳۷	۰/۰۳۱	۰/۰۲۶	۰/۰۲۷	۰/۰۲۵	۰/۰۲۴	۰/۰۲۸

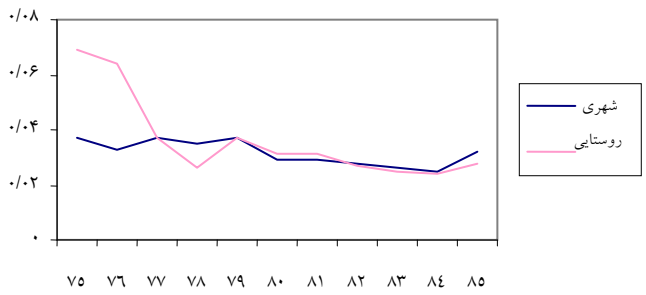

شکل ۳- روند شاخص شکاف فقر مناطق شهری و روستایی طی سال‌های ۸۵-۱۳۷۵

- **شاخص سن:** آمارتیاسن (۱۹۷۹) شاخصی را پیشنهاد کرد که در آن تـأثیر تعـداد فقرا، عمق فقر آن‌ها و توزیع فقر بین گروه‌ها را ترکیب کرده است [۶]:

$$P_s = P_\circ\left(1-\left(1-G^p\right)\frac{\mu^p}{z}\right)$$

که در آن $P_\circ$ نرخ فقر، μ^p درامـد (هزینـه) متوسـط فقـرا و G^p ضـریب جینـی نابرابری بین فقرا است. دامنه‌ی تغییر ضریب جینی بین صفر (توزیع کاملاً برابـر) و یک (توزیع کاملاً نابرابر) می‌باشد و شاخص سن به‌صورت متوسط معیارهای شکاف فقر و نرخ فقر که وزن آن‌ها ضریب جینی فقرا می‌باشد نیز نوشته می‌شود:

$$P_s = P_\circ G^p + P_1(1-G^P)$$

نتایج حاصل نشان می‌دهند که میزان فقر در مناطق شهری همراه بـا نوسـاناتی کاهش یافته است، به‌طوری که از ۰/۰۵۳ در سال ۱۳۷۵ به ۰/۰۴۵ در سـال ۱۳۸۵ رسیده است. این نتایج با نتایج حاصل از شاخص‌های درصد افـراد زیـر خـط فقـر و شکاف فقر نیز سازگار است. تصویر ارائه شـده در منـاطق شـهری عینـاً در منـاطق روستایی نیز مشاهده می‌شود بـا ایـن تفـاوت کـه میـزان کـاهش فقـر در منـاطق روستایی طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ بیش از مناطق شهری بوده است، به‌طـوری که از ۰/۰۹۷ در سال ۱۳۷۵ به ۰/۰۳۹ در سال ۱۳۸۵ رسیده است.

جدول ۵ – شاخص سن بر اساس خط فقر نیاز به۲۳۰۰ کالری طی سال‌های ۸۵-۱۳۷۵

سال	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵
شهری	۰/۰۵۳	۰/۰۴۷	۰/۰۵۲	۰/۰۴۹	۰/۰۵۲	۰/۰۴۲	۰/۰۴۱	۰/۰۳۹	۰/۰۴۶	۰/۰۳۸	۰/۰۴۵
روستایی	۰/۰۹۷	۰/۰۸۹	۰/۰۵۳	۰/۰۳۷	۰/۰۵۲	۰/۰۴۴	۰/۰۳۷	۰/۰۳۸	۰/۰۳۱	۰/۰۳۲	۰/۰۳۹

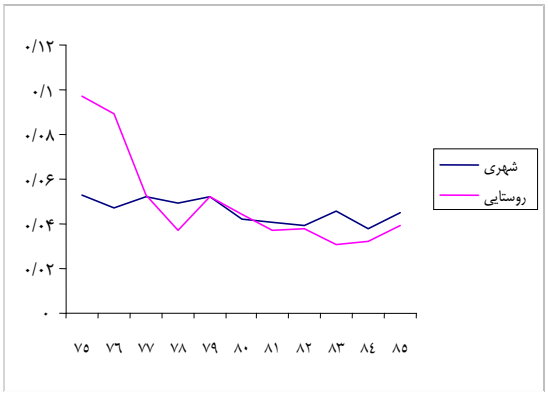

شکل ۴- روند شاخص سن طی سال‌های ۸۵-۱۳۷۵

۷- نتیجه‌گیری

- در همه‌ی سال‌های مورد مطالعه خط فقر شهری بزرگ‌تر از خط فقر روستایی است.
- در سال ۱۳۸۵ درصد افراد زیر خط فقر در مناطق شهری ۱۲/۶ درصد و در مناطق روستایی ۱۱/۴ درصد بوده است.
- درصد افراد زیر خط فقر طی دوره‌ی مورد بررسی کاهش یافته و در مناطق شهری از ۱۴/۱ درصد در سال ۷۵ به ۱۲/۶ درصد در سال ۸۵ و در مناطق روستایی از ۲۲/۴ درصد در سال ۷۵ به ۱۱/۴ درصد در سال ۸۵ رسیده است.
- نتایج حاصل از آزمون آماری شاخص درصد افراد زیر خط فقر با استفاده از روش بوت‌استرپ نشان می‌دهند که در همه‌ی سال‌ها با ۹۵٪ اطمینان مقادیر به دست آمده برای شاخص مورد نظر و میزان تغییر آن از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشند.

- نتایج حاصل از محاسبه‌ی شاخص شکاف فقر نشان می‌دهند که شاخص مذکور در مناطق شهری از ۰/۰۳۷ در سال ۱۳۷۵ به ۰/۰۳۲ در سال ۱۳۸۵ رسیده است و در مناطق روستایی از ۰/۰۶۹ در سال ۱۳۷۵ به ۰/۰۲۸ در سال ۱۳۸۵ رسیده است، بدین معنی که طی این ۱۰ سال متوسط درامد افراد زیر خط فقر افزایش پیدا کرده است. این افزایش در مناطق روستایی بسیار بیش‌تر از مناطق شهری بوده است.

توضیحات

[1] Cost-of-Basic-Needs Method
[2] Food Energy Intake Method
[۳] در این مطالعه از دهک‌های هزینه‌ای به جای دهک‌های درآمدی استفاده شده است.

مرجع‌ها

[۱] اندازه‌ی شاخص‌های فقر و نابرابری توزیع درامد در ایران طی سال‌های ۷۵-۱۳۶۵، مرکز آمار ایران، ۱۳۷۷.

[۲] باقری، فریده؛ حیدری، خلیل؛ پیمان، سیدحسین (۱۳۸۳). محاسبه خط فقر در ایران طی سال‌های ۸۲- ۱۳۸۰، پژوهشکده‌ی آمار.

[۳] خداداد کاشی، فرهاد؛ باقری، فریده؛ حیدری، خلیل؛ خداداد کاشی، امید (۱۳۸۱). اندازه‌گیری شاخص‌های فقر در ایران ۷۹-۱۳۶۳، پژوهشکده‌ی آمار.

[۴] نتایج طرح آمارگیری از طرح هزینه و درامد خانوارهای شهری و روستایی، مرکز آمار ایران، ۸۲- ۱۳۸۰.

[5] Ravallion, Martin (1998). Poverty Lines in Theory and Practice, *LSMS*, Working Paper No.133, World Bank.

[6] Sen, Amartya (1976). Poverty: An ordinal approach to measurement, *Econometrica*, **46**, 437-440.

[7] World Bank Institute (2005). Poverty Manual.